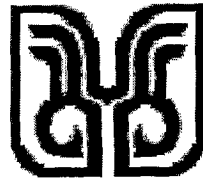


۱۱۲۰۲۸

۸۷۱/۱۰۹۹۹۵  
۸۸/۱/۱۸



دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دانشکده مدیریت و اقتصاد  
گروه اقتصاد

پایان نامه تحصیلی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد  
علوم اقتصادی

---

همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای  
جنوب غربی

---

استاد راهنما:

دکتر علیرضا شکیبائی

استاد مشاور:

دکتر سید عبدالمجید جلائی

مؤلف:

فاطمه کبری بطا

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۷

آذر ۸۷

۱۱۲۰۳۸



دانشگاه شهید باهنر کرمان

این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد به

بخش اقتصاد  
دانشکده مدیریت و اقتصاد  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره شناخته نمی شود.

دانشجو: فاطمه کبری بطا

استاد راهنما: دکتر علیرضا شکیبائی

استاد مشاور: دکتر سید عبدالمجید جلائی

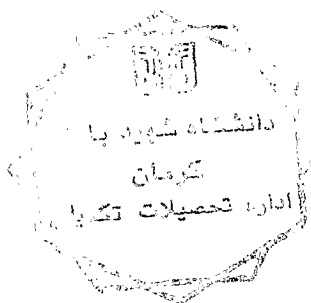
استاد داور: دکتر حمیدرضا حری

نماینده تحصیلات تکمیلی: مجتبی بهمنی

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشجو است.

این رساله در جلسه مورخ ۲۰/۹/۱۳۸۷ هیأت رسیدگی

با درجه و نمره عالی و ۱۹٫۵ تراز به تصویب رسید.



تقدیم به پدر و مادر عزیزم

به پاس

قطرای از بی کران دریای محبتشان

و

تقدیم به آنانکه:

اهل «یافتن» هستند نه اهل «یافتن»

و آنانکه متواضعانه معترفند «حقیقتی» را یافته‌اند نه

کل «حقیقت» را

تقدیر و تشکر:

سپاس معبودی را که حکمت و دست پرتوان اراده‌اش مرا در اقیانوس ژرف و پرتلاطم زندگی پی‌یار و ناامید نگذاشت و شالوده علم و دانش را در وجودم سرشت و جانم را تشنه آموختن آفرید.

او را سپاس می‌گویم که زیادت خواه نعمت او و گردن نهاده‌ی عزت اویم.

برخود واجب می‌دانم که از اولین و بزرگترین معلمان زندگی‌م، پدر و مادر عزیزم که هر قدم مثبت در زندگی را مدیون زحمات، نیت پاک و بی‌آلایش و محبت‌های بی‌دریغ آن‌ها هستم، از صمیم قلب تشکر و سپاس‌گزاری نمایم.

سپاس ویژه‌ی آنان که در پیچ و خم تحصیل، صادقانه و صمیمانه هدایت‌م کردند، به خصوص استاد راهنمای ارجمند جناب آقای دکتر علیرضا شکیبائی که افق‌های روشنی را در برابر اندیشه‌هایم به تصویر کشیدند که اگر همکاری و مساعدت ایشان نبود گذر از این عرصه علمی مسیر نمی‌نمود.

کمال تشکر و سپاس از جناب آقای دکتر جلائی دارم که در دوران تحصیل در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، دلسوزانه مرا راهنمایی کردند.

تشکر می‌کنم از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حری که داوری پایان‌نامه‌ی مرا متقبل شدند.

همچنین بر خود واجب می‌دانم از جناب آقای دکتر گلستانی، جناب آقای دکتر اکبری و سرکار خانم ایرانی به خاطر زحماتی که در طول دوره‌ی تحصیلم کشیدند تشکر و قدردانی کنم.

از سرکار خانم میترا رحمانی، جناب آقای دکتر محمدزاده و جناب آقای دکتر مهرگان اساتید محترم دانشگاه تربیت مدرس که در یادگیری روش پانل به من کمک بسیار کردند تشکر می‌کنم.

## چکیده:

پدیده جهانی شدن، تحولات سریع و عمیق در ساختار مناسبات جهانی و شکل‌گیری قطب‌ها و الگوهای توسعه‌ای در جهان به‌ویژه طی نیم قرن گذشته، جستجوی تعریف و رهیافت جدیدی از تعاملات سازنده و مؤثر در روابط و همکاری‌های منطقه‌ای و شکل‌دهی به راهبرد توسعه‌ای در بخش جنوب غربی آسیا را ضروری نموده است. منطقه آسیای جنوب غربی در گستره جغرافیایی حدود ۱۲ میلیون کیلومتر مربع شامل ۲۵ کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، اسرائیل (فلسطین اشغالی)، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین با جمعیت حدود ۵۳۰ میلیون نفر که پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می‌گیرد و دارای منابع عظیم طبیعی و انسانی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای بوده، کماکان از مناطق کم توسعه یافته جهان محسوب می‌شود و فاقد الگوی همکاری‌های توسعه جمعی است. لذا ایران با درک شرایط تاریخی و اقتضائات و الزامات جهانی برای همگرایی و با توجه به رویکرد تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل به عنوان سیاست محوری، منطقه آسیای جنوب غربی را به عنوان حوزه تعامل منطقه‌ای مورد تأکید قرار داده است.

تشخیص موفقیت یا عدم موفقیت بلوک منطقه‌ای احتمالی در منطقه آسیای جنوب غربی هدف اصلی این مطالعه است. در واقع مقصود تعیین دستاوردهای تجاری تشکیل این بلوک منطقه‌ای بر تجارت دوجانبه کشورهای عضو و از جمله ایران است.

چارچوب نظری این مطالعه، همگرایی منطقه‌ای بوده و مدل جاذبه مبنای الگوسازی برای برآورد اثرات تجاری قرار گرفته است تا با استفاده از امکانات این مدل (اقتصادسنجی با روش داده‌های تابلویی) برای دوره‌ی ۲۰۰۶-۱۹۹۵ تغییرات تجارت بین کشورهای عضو احتمالی و بین کشورهای عضو با سایر کشورهای جهان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج برآورد، پتانسیل تجاری کشور ایران و یکپارچگی اقتصادی کشورهای عضو بلوک منطقه آسیای جنوب غربی را در تجارت دوجانبه مقدار ۶۱ درصد نشان می‌دهد و بیان می‌کند، که حجم جریان‌ات تجاری دوجانبه میان آنها افزایش می‌یابد. همچنین در تخمین مدل بدون حضور ایران، ضریب این متغیر عدد ۰/۵۴ را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که گروه بدون حضور ایران همگرا تر است و بلوک منطقه‌ای تجارت بین اعضای بلوک را به میزان ۷۱ درصد افزایش خواهد داد.

**واژگان کلیدی:** همگرایی اقتصادی، منطقه آسیای جنوب غربی، مدل جاذبه.

## فهرست منابع

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>	
۲.....	۱-۱-مقدمه:.....
۳.....	۲-۱-تعریف مسئله و بیان سوالات اصلی تحقیق.....
۷.....	۳-۱- ضرورت انجام تحقیق.....
۸.....	۴-۱- فرضیه های تحقیق.....
۸.....	۵-۱- اهداف.....
۸.....	۶-۱- روش تحقیق.....
۹.....	۷-۱- قلمرو تحقیق.....
۹.....	۸-۱- استفاده کننده گان از نتایج پایان نامه.....
۹.....	۹-۱- واژگان کلیدی.....
۹.....	۱۰-۱- خلاصه فصل.....
<b>فصل دوم: مبانی نظری و ادبیات موضوع</b>	
۱۲.....	۱-۲-مقدمه:.....
۱۳.....	۲-۲- مروری کوتاه بر نظریه همگرایی منطقه ای.....
۱۴.....	۳-۲- آثار تشکیل بلوک تجاری بر تجارت خارجی کشورهای عضو.....
۱۵.....	۱-۳-۲- اثرات متفاوت ایجاد یک بلوک تجاری.....
۱۶.....	۲-۳-۲- عوامل اقتصادی مؤثر بر میزان اثر بخشی یک بلوک تجاری.....
۱۷.....	۴-۲- مقایسه وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با برخی از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی.....
۱۷.....	۱-۴-۲- جمعیت.....
۱۸.....	۲-۴-۲- تولید ناخالص داخلی (براساس قیمت های جاری دلار آمریکا).....

- ۱۹-۴-۲- تولید ناخالص داخلی (براساس برابری قدرت خرید)..... ۱۹
- ۱۹-۴-۲- رشد اقتصادی ..... ۱۹
- ۱۹-۴-۲- تولید ناخالص داخلی سرانه ..... ۱۹
- ۲۰-۴-۲- تولید ناخالص داخلی سرانه براساس برابری قدرت خرید (PPP)..... ۲۰
- ۲۰-۴-۲- نرخ تورم ..... ۲۰
- ۲۰-۴-۲- نرخ بیکاری ..... ۲۰
- ۲۱-۴-۲- بهره‌وری نیروی کار ..... ۲۱
- ۲۱-۴-۲- سهم مجموع صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی ..... ۲۱
- ۲۲-۴-۲- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ..... ۲۲
- ۲۲-۴-۲- انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ..... ۲۲
- ۲۲-۴-۲- شاخص محیط کسب و کار ..... ۲۲
- ۲۳-۴-۲- جمعیت زیر خط فقر ..... ۲۳
- ۲۳-۴-۲- شاخص فقر انسانی ..... ۲۳
- ۲۳-۴-۲- ضریب جینی ..... ۲۳
- ۲۳-۴-۲- شاخص توسعه انسانی ..... ۲۳
- ۲۴-۴-۲- سهم مخارج تحقیق و توسعه در تولید ناخالص داخلی ..... ۲۴
- ۲۴-۴-۲- نرخ دسترسی به اینترنت ..... ۲۴
- ۲۴-۴-۲- تشکیل سرمایه ناخالص به صورت درصدی از GDP ..... ۲۴
- ۲۵-۴-۲- زمان لازم برای شروع یک کسب و کار ..... ۲۵
- ۲۵-۴-۲- وام بلندمدت کشور ..... ۲۵
- ۲۵-۴-۲- نتیجه رابطه مبادله بازرگانی ..... ۲۵
- ۲۶-۵-۲- منطقه‌گرایی آسیای جنوب غربی در فرآیند جهانی شدن ..... ۲۶
- ۲۷-۵-۲- منطقه‌گرایی و کشورهای آسیای جنوب غربی ..... ۲۷
- ۲۷-۱-۵-۲- سازمان‌های منطقه‌ای آسیایی و یوروآسیایی و کشورهای عضو ..... ۲۷
- ۲۹-۱-۵-۲- توسعه یافتگی ..... ۲۹
- ۳۱-۱-۵-۲- همگرایی فرهنگی ..... ۳۱
- ۳۱-۱-۵-۲- همسوئی امنیتی و سیاسی ..... ۳۱
- ۳۲-۱-۵-۲- همکاری‌های اقتصادی ..... ۳۲
- ۳۴-۱-۵-۲- فرایند جهانی شدن و کشورهای آسیای جنوب غربی ..... ۳۴
- ۴۲-۶-۲- مروری بر مطالعات انجام شده ..... ۴۲
- ۵۱-۷-۲- مروری بر مطالعات کاربردی انجام شده با استفاده از مدل جاذبه ..... ۵۱



۵۳ ..... ۸-۲- خلاصه

### فصل سوم: تصریح مدل

- ۵۶ ..... ۱-۳- مقدمه:
- ۵۷ ..... ۲-۳- مبانی نظری مدل جاذبه
- ۶۰ ..... ۳-۳- معرفی مدل جاذبه
- ۶۴ ..... ۴-۳- داده‌های تابلویی
- ۶۴ ..... ۱-۴-۳- محدودیت‌های روش داده‌های تابلویی
- ۶۵ ..... ۲-۴-۳- مزایای داده‌های تابلویی
- ۶۷ ..... ۵-۳- تصریح مدل
- ۶۹ ..... ۶-۳- خلاصه

### فصل چهارم: برآورد مدل

- ۷۱ ..... ۱-۴- مقدمه:
- ۷۲ ..... ۲-۴- معرفی مدل‌ها
- ۷۲ ..... ۳-۴- معرفی متغیرها
- ۷۴ ..... ۴-۴- تخمین مدل
- ۷۵ ..... ۱-۴-۴- آزمون فرضیه‌ها
- ۷۵ ..... ۱-۴-۴-۱- آزمون تحقیق فرضیه اول و دوم (روش اثرات ثابت)
- ۷۶ ..... ۲-۴-۴-۱- آزمون تحقیق فرضیه سوم
- ۷۷ ..... ۳-۴-۴-۱- آزمون تحقیق فرضیه چهارم
- ۷۸ ..... ۵-۴- تجزیه و تحلیل

### فصل پنجم: نتیجه‌گیری

- ۸۳ ..... ۱-۵- مقدمه:
- ۸۴ ..... ۲-۵- تحلیل آزمون فرضیه‌ها
- ۸۴ ..... ۱-۲-۵- فرضیه اول
- ۸۵ ..... ۲-۲-۵- فرضیه دوم
- ۸۵ ..... ۳-۲-۵- فرضیه سوم
- ۸۶ ..... ۴-۲-۵- فرضیه چهارم
- ۸۶ ..... ۳-۵- پیشنهادات

۸۶.....	۱-۳-۵-پیشنهادات اجرایی .....
۸۸.....	۲-۳-۵-پیشنهادات تکمیلی .....
۸۹.....	فهرست داده‌ها و منابع آماری .....
۹۱.....	ضمائم و پیوست‌ها .....
۱۰۸.....	فهرست منابع و مآخذ .....

## فصل اول

### کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

جهان در حال گذر از مرحله جدال ملت‌ها در روابط تجاری به مرحله جدید مبادلات همه‌جانبه و مشارکت همگانی در فعالیت‌های اقتصادی است. جهانی شدن حرکتی دامنه‌دار و پویاست که همه‌ی جنبه‌های اقتصادی را در بر گرفته و یا در حال تأثیرگذاری بر آنهاست. مساله جهانی شدن به فرایندی اشاره دارد که طی آن مرزها رفته رفته ناپدید می‌شوند و همزمان مبادلات بین‌المللی افزایش می‌یابد. جهانی شدن ضمن بین‌المللی کردن بازار جهانی، محیطی کاملاً رقابتی ایجاد کرده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد بقا خواهند داشت. از این رو دولت‌های ملی به منطقه‌گرایی و تشکیل ترتیبات منطقه‌ای روی آورده‌اند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند.

در مطالعات همگرایی اقتصادی، تأثیر همکاری گروهی کشورها روی میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حجم مبادلات تجاری بین کشورهای عضو و سایر متغیرهای اثرگذار و در نتیجه رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا آثار جهانی شدن اقتصاد و همگرایی‌های منطقه‌ای می‌تواند به همگرایی‌های اقتصادی بیانجامد و موجب تسریع در رشد کشورهای گردد که از نظر شاخص‌های اقتصادی فاصله بیشتری با کشورهای پیشرو و توسعه یافته دارند. کشورهای در حال توسعه نیز به همگرایی اقتصادی و همکاری منطقه‌ای روی آوردند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کرده و مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نموده و نهایتاً مزیت‌های نسبی و رقابتی خود را افزایش دهند.

همانطوری که گفته شد یکی از ویژگی‌های جهانی شدن، همگرایی منطقه‌ای، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بوده است. از طرف دیگر، پیشرفت تکنولوژی امکان تقسیم‌بندی فرایندهای تولید را به مراحل مختلف در مکان‌های گوناگون، بدون آسیب دیدن کارایی و سودآوری، فراهم کرده است. بدین ترتیب، رشد فرایند تجارت و تولید جهانی شرایطی را فراهم کرده است تا کشورهای مختلف بتوانند به داده‌های مهم تکنولوژی دسترسی پیدا نموده، از سریزهای تکنولوژی کشورهای توسعه یافته صنعتی استفاده نمایند. همچنین به تجربه مشاهده می‌شود که کشورهای جهان سوم با توجه به بازارهای بزرگ مصرف کشورهای توسعه یافته تمایل بسیاری به تجارت با این کشورها دارند. این کشورها نیز با توجه به قوانین و مقرراتی که بر سر راه کشورهای جهان سوم قرار می‌دهند،

منجر به کاهش صادرات آنها می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد ایجاد همگرایی‌های اقتصادی-منطقه‌ای بتواند به توسعه و کاهش موانع موجود این کشورها کمک بسیار کند.

با توجه به اینکه منطقه آسیای جنوب غربی پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می‌گیرد و دارای منابع عظیم طبیعی و انسانی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای است، اما کماکان از مناطق کم توسعه یافته جهان محسوب می‌شود و فاقد الگوی همکاری‌های توسعه‌جمعی است. با بررسی کشورهای آسیای جنوب غربی در می‌یابیم که به استثنای ۶ کشور که عضو هیچ یک از پیمان‌های منطقه‌ای نیستند، ۱۹ کشور دیگر عضو یک یا دو پیمان از سه پیمان منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس (PGCC)، سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) و یا کشورهای مشترک المنافع (CIS) هستند. که در تمام این پیمان‌ها توسعه اقتصادی، اجتماعی و همکاری‌های سیاسی برای اعضا لحاظ شده است. اما آنچه که از بررسی پیمان‌ها می‌توان دریافت آن است که همکاری‌های اقتصادی میان اعضا از رشد لازم و کافی برخوردار نیست و تجارت اعضا با جهان خارج به مراتب بسیار بالاتر از تجارت درون منطقه‌ای است.

با توجه به شرایطی که ایران در آن واقع شده است، حضور فعال در مجامع و سازمان‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و جهانی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. لذا در این تحقیق با توجه به اهمیت این منطقه و شناخت پتانسیل‌های آن کوشش می‌شود آثار تجاری تشکیل بلوک منطقه احتمالی در جنوب غرب آسیا بر تجارت دوجانبه کشورهای عضو احتمالی (جمهوری اسلامی ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، اسرائیل (فلسطین اشغالی)، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین) که هدف اصلی این مطالعه است. مورد بررسی قرار گیرد.

در این فصل پس از بررسی بیان مسئله و سوالات اصلی تحقیق به ضرورت انجام این تحقیق پرداخته شده و در ادامه فرضیه‌های تحقیق و اهداف آن را مورد توجه قرار خواهد گرفت.

## ۱-۲- تعریف مسئله و بیان سوالات اصلی تحقیق

جهان در حال گذر از مرحله جدال ملت‌ها در روابط تجاری به مرحله جدید مبادلات همه جانبه و مشارکت همگانی در فعالیت‌های اقتصادی است. جهانی شدن حرکتی دامنه‌دار و پویاست که همه جنبه‌های اقتصادی و سیاسی را در بر گرفته و یا در حال تأثیرگذاری بر آنهاست. جهانی شدن به عنوان روندی از دگرگونی، از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم، فرهنگ و سبک زندگی را نیز در بر می‌گیرد.

مسئله جهانی شدن به فرایندی اشاره دارد که طی آن مرزها رفته رفته ناپدید می‌شوند و همزمان مبادلات بین-المللی و تعاملات فراملی افزایش می‌یابد. هر چند این اصطلاح نسبتاً نوپاست، اما جهانی شدن فرایندی است که چندین دهه ادامه دارد و اصطلاحاتی چون وابستگی متقابل، فراملی شدن، همگرایی جهانی و تغییر تقسیم کار بین-المللی، برای اشاره به آن به کار رفته است. از آنجایی که جهانی شدن تأثیرات مهمی برای دولت‌ها، افراد و جوامع گوناگون دارد، ضروری است که تعریف دقیق و روشنی از این مفهوم مهم و در عین حال پیچیده و مبهم و

کاربرد صحیح آن به دست دهیم و به بررسی پیامدهای آن پردازیم. به بیان ساده، جهانی شدن به یکپارچگی اقتصاد جهانی اشاره دارد؛ به طوری که رویدادهای یک گوشه از جهان برای محیط اجتماعی-اقتصادی و شیوه زندگی افراد و جوامع در سایر نقاط جهان پیامدهایی دارد. در حقیقت جهانی شدن علاوه بر یکپارچگی اقتصادی یک جریان فراگیر فرهنگی و تکنولوژیکی است؛ به طور مثال سقوط واحد پول تایلند نه تنها باعث بیکاری میلیون‌ها نفر در آسیای جنوب شرقی و جنوبی گردید، بلکه افت تقاضای جهانی در سرمایه‌گذاری اجتماعی در آمریکای لاتین و افزایش ناگهانی در هزینه داروهای وارداتی در آفریقا را در برداشت<sup>۱</sup>.

از نظر محققین<sup>۲</sup> علوم اجتماعی و اقتصادی عوامل گوناگونی در ظهور پدیده جهانی شدن مؤثر بوده‌اند. یکی از مهمترین علل، پیشرفت تکنولوژیک در سایه تخصص و تقسیم کار بین‌المللی است که سبب گردیده است به مرور ساختارهای بسته اقتصادی گشوده شود و هر کدام از کشورهای جهان بتوانند سهمی را در صحنه‌ی تجارت جهانی داشته باشند. در واقع، تجارت بین‌الملل امکان دسترسی به داده‌های مهم صنعتی (از جمله تکنولوژی) را برای کشورهایی که قادر به تولید آن نبوده‌اند، فراهم کرده است.

دومین عامل، رشد بازارهای مالی جهانی است؛ اخیراً حجم بازارهای مالی در مقایسه با حجم تجارت جهانی به سرعت رشد کرده و به یک عامل مهم و نیروی پیش‌برنده جریان یکپارچگی جهانی تبدیل شده است. به گفته دراکر «حرکت سرمایه به جای تجارت کالا و خدمات به صورت موتور محرک اقتصاد جهانی درآمده است». سرمایه جهانی با تسهیلاتی که سیاست مقررات‌زدایی و آزادسازی کشورها برای آن ایجاد کرده است، هم از لحاظ تحرک و هم از لحاظ حجم گردش سالانه افزایش یافته است.

سومین عامل که موجب تقویت یکپارچگی اقتصاد جهانی شد، فروپاشی نظام سوسیالیستی و پایان جنگ سرد بود که موجب گسترش بازار جهانی و تعمیق روابط اقتصادی شد. در نتیجه دیگر جهان امروز به دو اردوگاه سیاسی به گونه‌ای که در دوران جنگ سرد تقسیم شده بود و ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی برای نفوذ ایدئولوژیک در آن به رقابت با هم می‌پرداختند، تقسیم نشده است. امروزه دیگر رقابت در بین ملت‌ها برای سلطه ایدئولوژیک نیست؛ بلکه رقابت بر سر بازار و منابع کمیاب است. در واقع، در اقتصاد جهانی امروز مسائل ژئواکونومیک مسایل ژئوپولیتیک را تحت تأثیر خود قرار داده است.

عامل چهارم جهانی شدن، رشد فعالیت‌های شرکت‌هاست. ادغام جهانی، حاصل رشد فعالیت شرکت‌های چند ملیتی است. شرکت‌های چندملیتی به منظور کاهش هزینه تولید و به حداکثر رساندن سود و نیز برای برخورداری از مزیت رقابتی در مقابل دیگران در جهت فتح بازارها به فراسوی مرزهای ملی رو آورد و در سایر کشورها سرمایه‌گذاری می‌کنند. نتیجتاً میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های اخیر به شدت رشد کرده است. این امر تا حدودی با توسعه تکنولوژی ارتباطات و حمل و نقل تسهیل شده است. در واقع، یکپارچگی جهانی از طریق رشد تجارت جهانی و همراه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امکان‌پذیر شده است.

<sup>۱</sup>.Mc-Graw.

<sup>۲</sup>.Yuc-Man Yang and Fu- Chen Lo. (1996).

پنجمین و شاید یکی دیگر از مهمترین نیروی پیش‌برنده جهانی شدن، انقلاط در تکنولوژی اطلاعات، ارتباطات و حمل و نقل است. فعالیت‌های اقتصادی شامل خرید و فروش کالاها و خدمات و نیز سایر معاملات مالی را می‌توان با کمک شبکه‌های ارتباطی از راه دور هدایت کرد و انجام این کار با استفاده از اینترنت و سایر تکنولوژی‌های نو و تجارت الکترونیکی، از طریق دسترسی به تمام نقاط جهان، میسر شده است. کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات، به مفهوم کوچک شدن «مکان» و کوتاه شدن «زمان» است که موجب نزدیکتر شدن و به هم پیوستگی بیشتر کالاها و عوامل بازار شده است.

جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده است. به این پدیده باید منطقه-گرایی را نیز افزود. اهداف بازار جهانی با فرایند تصمیم‌گیری متمرکز سازگار نیست. باز شدن بازارهای ملی، اقتصاد هر یک از کشورها را تهدید می‌کند. از این رو احساسات و تفکرات حمایت‌گرایانه در بین گروههایی که به دنبال منطقه‌گرایی و حمایت از بازارهای ملی هستند، بالا می‌گیرد.

جهانی شدن ضمن بین‌المللی کردن بازار جهانی، محیطی کاملاً رقابتی ایجاد کرده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد مجال بقا خواهند داشت. از این رو دولت‌های ملی به منطقه‌گرایی روی آورده‌اند تا از این طریق، اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و همچنین به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست یابند. مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند. منطقه‌گرایی نه تنها دلالت بر افزایش فعالیت‌های بین‌کشورهایی دارد که از نظر خطر مالی در یک منطقه قرار دارند؛ بلکه به معنی نوعی تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آنهاست که باعث می‌شود فعالیت‌های اقتصادی هر چه بیشتر در سطح منطقه و در یک محدوده جغرافیایی سازماندهی شوند.

کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به عرصه‌های جهانی تجارت را ندارند، منطقه‌گرایی و تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای می‌تواند راه مؤثری برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این قبیل کشورها و ادغام آنها در اقتصاد و تجارت جهانی باشد. در چارچوب چنین تشکلهایی موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگتر فراهم می‌شود. همچنین حذف موانع برای انتقال سرمایه و تکنولوژی می‌تواند افق‌های گسترده‌تری برای اقتصاد این کشورها و بنگاه‌های اقتصادی آنها فراهم کند. به همین منظور در سال‌های اخیر، سازمان‌های منطقه‌ای متعددی تشکیل گردیده‌اند.

در قاره آسیا پیمان‌های همکاری اقتصادی-تجاری متعددی وجود دارد و همچنین پیمان‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است. در آسیا جمعاً ۱۲ پیمان همکاری منطقه‌ای در دوره‌های مختلف از دهه ۶۰ قرن بیستم به بعد تشکیل شده است و از این تعداد تنها دو پیمان منطقه‌ای مربوط به شرق و جنوب شرق آسیاست که اولی آ.سه.آن و دومی اجلاس سران شرق آسیاست که متشکل از سران کشورهای آ.سه.آن به علاوه کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزلند است و در سال ۲۰۰۳ بنا نهاده شد و اکنون روسیه نیز عضو ناظر آن می‌باشد. ده پیمان منطقه‌ای دیگر مربوط به غرب، جنوب و آسیای جنوب غربی و منطقه یورو آسیاست که از ۲۵ کشور مورد نظر تشکیل شده است و یکی از اهداف ایران این است که آنها را تحت عنوان منطقه آسیای جنوب غربی گردهم آورد.

منطقه آسیای جنوب غربی در گستره جغرافیایی حدود ۱۲ میلیون کیلومتر مربع شامل ۲۵ کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، اسرائیل (فلسطین اشغالی)، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین با جمعیت حدود ۵۳۰ میلیون نفر که پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان، شامل: آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می گیرد و در بین قاره های آفریقا، اروپا و سرزمین های روسیه، چین و هند قرار دارد، با وجود پیشینه تاریخی\_تمدنی چندین هزار ساله و اشتراکات فرهنگی تمدنی جهان و دارا بودن منابع عظیم طبیعی و انسانی، مزیت ها و ظرفیت های توسعه ای استثنایی، کماکان از مناطق کم توسعه یافته جهان محسوب می شود و فاقد الگویی از همکاری های توسعه جمعی است.

با توجه به مطالب گفته شده و با توجه به اینکه منطقه آسیای جنوب غربی دارای ظرفیت های اقتصادی قابل توجه و ویژگی های ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچری ویژه، کشورهایی با وسعت، جمعیت و تولید سرانه های متفاوت از قزاقستان با ۲۱۴۹۶۹۰ کیلومتر مربع تا بحرین ۶۵۵ کیلومتر مربع، پاکستان با جمعیت ۱۶۵ میلیون نفر، تا بحرین ۶۰۰ هزار نفر و تولید سرانه از ۲۷۰۰۰ دلار در امارات تا ۸۲۴ دلار در فلسطین را در خود جای داده است. ساختارهای سیاسی متنوع، اقوام، زبان ها و مذاهب گوناگون که عموماً مسلمان می باشند از ویژگی های این منطقه به شمار می آید. منابع عظیم نفت و گاز منطقه آسیای جنوب غربی (دو سوم منابع جهان) برجستگی خاصی را به این منطقه داده است. این منطقه به جهت حضور و مداخله قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای همواره از چالش ها و تنش های سیاسی و نظامی رنج برده و شرایط مساعد برای توسعه جمعی را نیافته است. در حالیکه اکثر مناطق جهان در قالب اتحادیه های اقتصادی توانسته اند الگوهای از توسعه جمعی را تجربه کنند. این منطقه کماکان در فرآیند واگرایی سیر می کند. لذا آنچه قطعی است تلاش برای دستیابی به فضائی از همکاری برای توسعه این منطقه، امری محتوم و اجتناب ناپذیر است. لذا در این تحقیق با توجه به اهمیت این منطقه و شناخت پتانسیل های آن کوشش می شود به سوالات زیر پاسخ داده شود:

۱) آیا تشکیل بلوک منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از کشورهای ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، اسرائیل (فلسطین اشغالی)، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین با موفقیت همراه خواهد بود؟

۲) آیا تشکیل این بلوک منطقه ای بر جریان های تجاری دو جانبه این کشورها تأثیر گذار خواهد بود؟

۳) درجه آزادسازی تجاری چه تأثیری روی تجارت دو جانبه این کشورها خواهد داشت؟

۴) آیا ایران می تواند در این شکل نقش کشور محور را دارا باشد؟



### ۳-۱- ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اینکه منطقه آسیای جنوب غربی پنج حوزه ژئوپولیتیک مهم جهان؛ آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می گیرد و دارای منابع عظیم طبیعی و انسانی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای است، اما کماکان از مناطق کم توسعه یافته جهان محسوب می‌شود و فاقد الگویی از همکاری‌های توسعه جمعی است. منطقه‌گرایی و به تبع آن همگرایی منطقه‌ای را به صورت ناقص تجربه کرده است. چرا که این منطقه علی‌رغم پتانسیل‌های موجود نتوانسته، آن طور که باید در اقتصاد جهانی به ایفای نقش بپردازد.

شاید بتوان یکی از دلایل این امر را فقدان مدل مطلوبی برای توسعه منطقه آسیای جنوب غربی با توجه به جایگاه و قابلیت‌هایش ذکر نمود. از آنجا که تحولات کنونی جهانی به گونه‌ای پیش می‌رود که ضرورت ایجاد مدل و زمینه مطلوب همگرایی منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی بیش از پیش احساس می‌گردد و لذا ایجاد زمینه‌هایی در راستای رسیدن به این هدف باید مدنظر قرار گیرند. در این میان کشور ایران با قرار داشتن در قلب خاورمیانه یکی از کشورهای مهم آسیای جنوب غربی است که در مرز کشورهای آسیای غربی و آسیای مرکزی و شرقی قرار دارد، تنها در دو پیمان منطقه‌ای اکو و همکاری‌های فرامنطقه‌ای گروه هشت کشورهای اسلامی در حال توسعه (D-8) عضویت دارد. عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی و تجاری و آمادگی برای ورود به عرصه‌های جهانی رقابت تجاری، ضروری است و در این راستا ایران با دارا بودن پتانسیل‌های ژئواکونومیک قابل توجه، و نیز تعامل قوی با همه زیر سیستم‌های آسیای جنوب غربی می‌تواند بازیگر ارزشمندی در راستای رسیدن به این مهم یعنی همگرایی و همکاری منطقه‌ای در چارچوب مسائل اقتصادی باشد. در باب ضرورت همگرایی می‌توان موارد زیر را ذکر نمود:

۱) هر یک از زیر سیستم‌ها شاهد نوعی پیوند فرهنگی، قومی، نژادی، دینی (اسلامی) و تاریخی در میان خود است. و در تحلیل نهایی، عوامل همگرایی در مقایسه با عوامل واگرایی، بیشتر خود را نشان می‌دهد. وزن این متغیرها برای تحقق نظم منطقه‌ای از عوامل واگرا قابل تشخیص است؛

۲) هیچکدام از کشورهای منطقه نمی‌توانند در سیاست منطقه‌ای خود کشورهای همجوار خود را که در حلقه اول امنیت ملی خود قرار دارند، نادیده بگیرند؛

۳) این مناطق همچنین از منظر ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچرال، شاهد همبستگی میان زیر سیستم‌هاست. حلقه اتصال این زیر سیستم‌ها جمهوری اسلامی ایران است؛

۴) حضور قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های مجاور منطقه‌ای از عوامل مهم واگرایی در این مناطق است. ولی سیاست منطقه‌ای بازیگران موجود به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر در زیر سیستم‌ها در جهت تحقق نظم منطقه‌ای عمل می‌کند؛

۵) ایجاد مرکز در سیستم که کشوری جز ایران نیست و ایجاد تأسیسات منطقه‌ای می‌تواند، واگرایی‌ها را کاهش دهد.

به این ترتیب منطقه آسیای جنوب غربی با ویژگی‌های مذکور و روابط میان زیر سیستم‌ها، دارای استعداد ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچرال و دارای نوعی سیاست منطقه‌ای برای تحقق نظم منطقه‌ای قابل سوق به عنوان یک واحد سیاسی می‌باشد.

#### ۱-۴- فرضیه‌های تحقیق

- ۱) تشکیل بلوک منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از ۲۵ کشور ذکر شده با موفقیت همراه است.
- ۲) همگرایی منطقه‌ای بین کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی موجب افزایش همگرایی تجاری در این منطقه می‌شود.
- ۳) درجه آزادسازی کشورها تأثیر مثبتی روی تجارت دوجانبه آنها دارد.
- ۴) ایران کلیدی‌ترین و محوری‌ترین کشور جهت همگرایی و همکاری در منطقه آسیای جنوب غربی است.

#### ۱-۵- اهداف

اهداف تحقیق را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

- ۱) مهمترین هدف تحقیق حاضر بررسی این موضوع است که آیا کشورهای آسیای جنوب غربی پتانسیل تجاری لازم برای افزایش صادرات دو جانبه را برای شکل‌گیری منطقه واحد اقتصادی دارند؟
- ۲) دومین موضوع مهم قابل بررسی این است که آیا ایران با توجه به قابلیت‌ها و پتانسیل‌هایی که از نظر منابع انرژی و موقعیت جغرافیایی و همچنین تعامل قوی که با همه زیر سیستم‌های آسیای جنوب غربی دارد می‌تواند کلیدی‌ترین و محوری‌ترین کشور جهت همگرایی و همکاری در منطقه آسیای جنوب غربی باشد؟

#### ۱-۶- روش تحقیق

برای برآورد اثرات تشکیل یک بلوک اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی از مدل جاذبه تعمیم یافته استفاده شده است که با استفاده از روش اقتصادسنجی رگرسیون چند متغیر با داده‌های تابلویی محاسبه می‌شود. در این بین مدل‌های جاذبه ابزار تجربی مناسبی هستند که بطور گسترده در تجارت بین الملل برای توضیح جریان‌های تجاری، تعیین پتانسیل‌های تجاری دو جانبه، بررسی تأثیرات یکپارچگی بر تجارت دوجانبه و... به کار می‌روند. از فواید به کارگیری این مدل‌ها می‌توان به دسترسی آسان به داده‌های آماری مورد نیاز برای برآورد مدل اشاره کرد. همچنین فایده دیگر این است که پایه‌های نظری استفاده از این مدل‌ها در جریان‌های تجارت بین الملل مورد بحث قرار گرفته و توسعه یافته است.

نرم افزارهای مورد استفاده در این مطالعه Eviews و Excel می‌باشد. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق از سایت‌های اینترنتی (UNCTAD)، شاخص‌های توسعه جهانی (WDI)، صندوق بین المللی پول (IMF)، نرم افزار بانک اطلاعاتی PC/TAS استفاده شده است.

## ۷-۱- قلمرو و تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق، آن گروه از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی می‌باشد که اطلاعاتشان در دسترس بوده، به همراه ۶ شریک تجاری عمده آنها یعنی فرانسه، آلمان، هند، چین، ژاپن و روسیه و قلمرو زمانی تحقیق ۲۰۰۶-۱۹۹۵ می‌باشد.

## ۸-۱- استفاده‌کننده‌گان از نتایج پایان‌نامه

باتوجه به عنوان و اهمیت موضوع و نتایج حاصل از آن تصور می‌شود این تحقیق مورد استفاده افراد، مراکز و سازمان‌های وزارت بازرگانی، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های بازرگانی و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گیرد.

## ۹-۱- واژگان کلیدی

همگرایی اقتصادی:

افزایش مبادلات اقتصادی و یک کاسه شدن منافع دو یا چند سیستم مجزا که به افزایش توانایی سیستم بزرگتر حاصل از این پیوند منجر می‌گردد، همگرایی اقتصادی نامیده می‌شود.  
منطقه آسیای جنوب غربی:

جنوب، غرب و منطقه یورو آسیا که ۲۵ کشور؛ جمهوری اسلامی ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، اسرائیل (فلسطین اشغالی)، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین را در برمی‌گیرد. تحت عنوان منطقه آسیای جنوب غربی نامیده می‌شود.  
مدل جاذبه:

مدل جاذبه به طور گسترده جهت نشان دادن اثرات جریان واقعی تجارت نهادهایی همانند اتحادیه‌های گمرکی، مکانیسم‌های نرخ ارز، پیوندهای قومی، زبان و مرز مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ۱۰-۱- فصل بندی

در این فصل به ارائه کلیاتی از تحقیق انجام شده پرداخته شد. این کلیات شامل مقدمه، بیان موضوع تحقیق، اهمیت و ضرورت انجام تحقیق، اهداف اساسی از انجام این مطالعه، ارائه فرضیات تحقیق و بیان روش تحقیق بودند. در فصل دوم پس از بیان مبانی نظری راجع به همگرایی منطقه‌ای به بررسی مقایسه وضعیت اقتصادی کشورهای آسیای جنوب غربی پرداخته می‌شود و سپس ویژگی‌های کشورهای منطقه را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً در قسمت ادبیات موضوع مطالعاتی را که در داخل و خارج از کشور در زمینه‌ی همگرایی صورت گرفته است مرور خواهد شد. در فصل سوم مبانی نظری مدل جاذبه آورده شده و سپس در

انتهای فصل به تصریح مدل پرداخته خواهد شد. در فصل چهارم به تبیین و تخمین مدل با توجه به فرضیه‌های آورده شده در فصل اول بررسی می‌گردد و سرانجام در فصل پنجم به تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج و پیشنهادات حاصل از برآورد مدل آورده شده است.